قوم خدا در دنیای خدا: شناخت خدا

(کلیسای مرکزی مسیح - یکشنبه ١٥ ژانویه ٢٠٢٣)

مقدمه: خوشحال خواهید شد که بدانید خطبه امروز من بسیار کوتاهتر از «خطبه تثنیه» موسی است، که اساساً شامل کل این کتاب است. تصور کنید در آن زمان آنجا هستید. یادداشت‌های من فقط ۶ صفحه هستند که با حروف بزرگ چاپ شده‌اند (تا بتوانم آنها را بخوانم)، در یک ستون تمام صفحه، روی کاغذ اندازه A5. «خطبه تثنیه» موسی ٣٨ صفحه در کتاب مقدس من است که با حروف بسیار کوچک چاپ شده است، در ٢ ستون، در صفحاتی که به کاغذ سایز A4 نزدیک می شوند. و من ٥٨ ساله هستم ... شاید بپرسید چه ربطی به سن دارد؟ بنابراین، می توانیم سن موسی را در نظر بگیریم! او بیش از دو برابر من در ١٢٠ سالگی سن داشت! و او فقط ٤٠ سال را در یک بیابان گذرانده بود، در حالی که فقط باید چند هفته آنجا می بود، به دلیل برخی اشتباهات فاجعه بار در گذشته، که او مرتباً آنها را به همه یادآوری می کند!

 بنابراین، صادق باشید! آیا شما مشتاقانه منتظر شنیدن خطبه آن روز بودید؟ آیا از فکر آن لذت می برید، با خودکار و دفترچه آماده هستید؟ بله! چرا؟ به دلیل آیه ۱ که به ما می گوید این موعظه یک مرد بسیار مسن، که به پایان عمرش نزدیک می شود، درباره چیست. مرگ چیز بسیار دشواری است، اما این خطبه درباره زندگی است. ما را ترغیب می کند که راه زندگی و چگونگی اجتناب از راه مرگ را انتخاب کنیم.

 ۱. زندگی برای قوم خدا (آیات ١-٤): نمی‌دانم درباره قوانین و مقررات کتاب مقدس، مثلاً ده فرمان، چه نظری دارید؟ طبق آیه ۱، آنها لیست خسته کننده ای از ممنوعیت های ناخواسته و بی رحمانه نیستند، بلکه کلید زندگی هستند، به آنچه آیه ۱ می گوید، نگاه کنید، "تا بتوانید زندگی کنید." آنها به پیشرفت منجر می شوند، تا بتوانید «به آن دست یابید». و آنها کلید پیروزی هستند، "تا زمینی را که خداوند، خدای پدران شما به شما می دهد، تصرف کنید." زندگی در خدا یافت می شود، در شناخت خدا، و شناخت خدا از طریق گوش دادن، یادگیری و دوست داشتن قوانین، قوانین و کلام او حاصل می شود.

 عیسی در گفته‌ای معروف می‌گوید: «انسان تنها با نان زندگی نمی‌کند، بلکه با هر کلامی که از دهان خداوند می‌آید زندگی می‌کند.» عیسی گفت که این کتاب را نقل می کند، این موعظه در مورد قوانین خدا، خودتان آن را در فصل ٨ آیه ۳ بررسی کنید.

 هنگامی که خدا ده فرمان را قبل از ۴۰ سال آوارگی در صحرا به آنها داد، قوم خدا در کوه سینا (حورب در تثنیه) با کلام خدا جشن گرفتند. هنگامی که موسی هنگام خروج از بیابان برای ورود به سرزمین موعود، قوانین خدا را برای آنها موعظه کرد، آنها دوباره با کلام خدا ضیافت کردند. هم در بیابان و هم در زمینی که شیر و عسل در آن جاری است، برای زندگی به کلام خدا وابسته بودند.

 بنابراین، اضافه کردن، کم کردن یا نادیده گرفتن هر بخشی از کتاب مقدس، آیه ۲ اشتباه بزرگی است. یا به جای پذیرفتن فروتنانه آن، به قضاوت در مورد آن بنشینیم! این مانند یک غواص در اعماق دریا است که راه نجات خود را دستکاری می کند - تامین اکسیژن آنها، زیرا آنها فکر می کنند می توانند آن را بهتر از شرکت سازنده آن تنظیم کنند. وقتی از قوانین و راه های خدا دور می شویم، نابودی رخ می دهد، چیزی که آیات ٣-٤ به ما هشدار می دهد. لحظه ای قوم خدا با بی وفایی به خداوند یگانه و درگیر شدن در پرستش بت ها و فحشا، احکام ١،٢،٣، و ٧ را شکستند.

 در اینجا یک سوال برای کمک به آوردن این چیزها به قلب ما وجود دارد. دیدگاه شما درباره قوانین و مقررات و کلام خدا چیست؟ شما چه فکر میکنید؟ آنها چه نقشی در زندگی شما و در زندگی مشترک ما به عنوان قوم خدا دارند؟ کتاب تثنیه به ما می گوید که خداوند زمانی که قوم خود را از بردگی در مصر نجات داد و آنها را در صحرا هدایت کرد، به آنها زندگی بخشید. و او می خواست که مردمش همچنان از زندگی در سرزمین موعود لذت ببرند و به همین دلیل به آنها قول خود را در مورد شیوه زندگی که منجر به زندگی ابدی می شود داد.

٢. زندگی برای جهان، آیات ٥-٨: اگر نکته اول ادعای بسیار بزرگی دارد، ادعایی که باید در قلبمان باور داشته باشیم (آیه ٩)، اینجا درباره‌ موضوع دیگری است. قانونگذاری، نظام حقوقی و عدالت اجتماعی قوم خدا بر هر چیز دیگری در جهان برتری دارد. هنگامی که ملل دیگر راه های خدا را می دیدند و تجربه می کردند، می گفتند: «این بهترین است. این عاقلانه تر و درست تر از هر چیز دیگری است.» خداوند به قوم خود دستور می دهد که به جهان بروند و مژده عشق و نجات او را از طریق عیسی به اشتراک بگذارند. اما او همیشه برنامه ریزی و هدف داشت که ملت ها و جهان به سوی مردمش بیایند. ما یک مردم جذب کننده هستیم، آیات ٦-٨.

 کتاب مقدس گواهی می دهد که این اتفاق افتاده است. به کتاب اول پادشاهان ١: ٩-١٠ نگاه کنید. خدا می خواهد که دنیا از طریق کلامش حیات داشته باشد و مسیر انتخابی او برای تحقق آن ما هستیم! اگر بخواهیم رابطه‌ای را که خداوند با قومش برقرار کرده است خلاصه کنیم، می‌توانیم این کار را انجام دهیم: «من خدای تو هستم و تو قوم من خواهی بود و با هم به دنیا نشان خواهیم داد که چقدر خوب است که خدا را خدای خود داشته باشی. ”

 چه خدای شگفت انگیزی! آیه ۷ تلٲلویی از چیزی واقعاً شگفت انگیز را ارائه می دهد. خدا نه تنها با ما مردمش صحبت می کند، در حالی که کلام او را در کتاب مقدس می شنویم و هنگامی که ما دعا می کنیم ما با او حرف می‌زنیم. و نکته واقعاً قابل توجه این است که کلمه "نزدیک" همان کلمه ای است که ریشه های خود را با کلماتی همچون "اقوام نزدیک" و "بستگان نزدیک" به اشتراک می گذارد. اگر فکر می کردیم که عهد عتیق فقط در مورد احکام خدا و عهد جدید فقط در مورد رابطه با خدا است، اشتباه کرده ایم. در اینجا صمیمیت با خدا در مقدمه/قبل از ده فرمان در فصل بعد آمده است.

 ما می‌توانیم از طریق مزامیر شخصی و آواز سرودها که در آن از مثال‌هایی همچون صمیمیت عاشقانه، رابطه احساسی و ازدواج برای نشان دادن صمیمیت رابطه ما با خدا استفاده می‌شود، تماس هیجان‌انگیز و روحی و احساسی با خدا داشته باشیم. همه اینها ما را به خدای شگفت انگیز، نجات دهنده، و دوست‌داشتنی عیسی می برد که در ما زندگی می کند و ما در او توسط روح القدس او زندگی می کنیم. و ما نمی توانیم صمیمی تر از این باشیم.

 بازگشت به تثنیه. به جای شرمساری یا پنهان کردن این چیزها، اینها همان چیزهایی است که جهان باید تجربه کند تا آنها نیز جذب و جذب شوند و زندگی را دریافت کنند.

 ٣. زندگی برای فرزندان ما (آیات ٩-١٤): منطق آیه ۹ این است که کلام خدا از او به سوی ما می آید، تا به صورت فردی دریافت شود: "فقط مراقب باشید و روح خود را کوشا نگه دارید." کلام خدا از ما به فرزندانمان منتقل می‌شود - که در خانه‌ها و خانواده‌های ما ارزشمند است: «آنها را به فرزندان خود بشناسانید». و از آنجا باید با نسل بعدی، «و فرزندان فرزندانتان» به اشتراک گذاشته شود.

 بنابراین، زمان شخصی و خانوادگی در کتاب مقدس و دعا بسیار مهم است. ما نباید در مورد آن قانون گرا باشیم یا آن را خسته کننده یا کار طاقت فرسا کنیم. آخرین کاری که می خواهیم انجام دهیم این است که قلب فرزندان و نوه هایمان را از کتاب مقدس دور کنیم. کمک های زیادی از طریق مطالب منتشر شده وجود دارد، و ما باید به یکدیگر کمک کنیم، در مورد این چیزها صحبت کنیم و ایده ها را به اشتراک بگذاریم، یکدیگر را تشویق کنیم. و ما باید خدا را به خاطر رهبران تیم انجیل/الف و مخصوصاً با بچه‌ها، همه عمه‌ها و عموهای روحانی که به رهبری خدمت جوانان و فرزندان ما کمک می‌کنند، سپاسگزار باشیم.

 ما نمی توانیم آنچه را که در خانواده ما می گذرد از خانواده خدا جدا کنیم. موسی این کار را نمی کند، او ما را به جمع مردم خدا در آیه ١٠ برمی گرداند. و در اینجا چیز قابل توجه دیگری وجود دارد. اگر فکر می‌کردیم که روز تولد کلیسا روز پنطیکاست در اعمال رسولان ۲ است، این آیه ممکن است ما را وادار کند درباره چیزها تجدید نظر کنیم، زیرا کلمات و عبارات درست شبیه گردهمایی کلیسا هستند - قوم خدا. اما به تاکید توجه کنید، آیه ۱۱ به ما می‌گوید که مردم شاهد آتش، تاریکی، ابر و تاریکی بوده‌اند، این یک لحظه قدرتمند تجربی بود، اما مهم‌ترین چیز آن نبود که دیدند، بلکه چیزی بود که شنیدند - کلام خدا، آیه ١٢.

 این دلیل دیگری است که چرا ساختن بت توسط خدا در فرمان ٣ ممنوع شده است. مردم هیچ شکلی از خدا را ندیدند هنگامی که خدا خود را به آنها نشان داد، آیات ١٥-٢٠. در این آیات یک بازی با کلمه "شکل" وجود دارد: "شما هیچ شکلی را ندیدید ... ساختن یک تصویر حک شده در شکل." هیچ کس شکل خدا را ندید، بنابراین هیچ کس نمی تواند او را به درستی به تصویر بکشد. هر تلاشی برای به تصویر کشیدن خدا کاملاً ناکافی خواهد بود و توهین وحشتناکی به خدای بی همتاخواهد بود، هر یک از آنها خدا را به آنچه در تصورات محدود و کوچک ما به وجود می آید و حتی در آن صورت فقط نسخه هایی از چیزهایی که خالق ساخته است تقلیل می دهد. این درست است.

 اما دلیل اصلی دیگر در اینجا برای عدم ساختن بت این است که این روشی نیست که تنها خدای حقیقی انتخاب کرده است تا خود را به ما نشان دهد. راهی که او این کار را کرده است از طریق قول او است. او خدایی سخنگو است، که هیچ بت بی حرکت گنگ دیگری هرگز قادر به انجام آن نیست.

 نتیجه: کلام خدا را گوش کنید، بیاموزید، زندگی کنید و آن را دوست داشته باشید، زیرا زندگی را به ارمغان می آورد و منجر به زندگی می شود.